**مصاحبه با DMYPrivateKabul020618**

**تاریخ: 02 جون 2018**

**مصاحبه در محل تولید**

ک: وظیفه ی شما چیست در شرکت؟

DMYPrivateKabul020618: اسمم است [نام صاحب شرکت] رییس شرکت [نام شرکت]

ک: شرکت چه تعداد کارگر دارد؟

DMYPrivateKabul020618: تعداد کارگرهای ما خو نظر به فصل های سال فرق می کنه. ثابت در حدود تقریبا 50 نفر میباشه. 50 تا 100 نفر میرسه. متغیر میباشه نظر به وقت کاری. مثلا فصل زمستان کار کم میشه، کارگرها هم کم میشه. فصل بهار که است کار زیاد میشه پس تعداد کارگرها ره زیاد می کنیم.

ک: کارگرها ره چی رقم استخدام می کنید؟ کسی به شما معرفی می کنه یا شما می شناسید؟

DMYPrivateKabul020618: اکثرا همو کارگرهای که همراه ما کار می کنند آنها ره اگر رخصت هم می کنیم آدرس هایشان، تلیفون نمبرهایشان می باشه. وقتی که ضرورت میشه دوباره برایشان تلیفون می کنیم. می آیند و دوباره شروع می کنند.

ک: معمولا دیگر همین وقت سال تولید بیشتر می باشه یا کمتر است؟

DMYPrivateKabul020618: ها ها. او نظر به فصل است. ده هر فصل فرق می کنه تولید. ده فصل تابستان اکثر که وقت کار است تولید به حساب زیاد میشه. ضرورت زیاد میباشه. اما این سالی که در پیش روی داریم در این سال یک کمی مشکلات زیاد است ده فصل تابستان هم تولید بسیار کم شده. به صورت عموم کارها بسیار کم شده.

ک: به خاطر چی دلایلی؟

DMYPrivateKabul020618: دلایلش خو این است که اول این است که نان نیست. اکثر در اطراف نان نیست. وقتی که امن نباشه، کار نمیشه. وقتی که ناامنی که باشه مردم کس های که سرمایه دار هستند مثلا در یک بخش سرمایه گذاری می کنند فرضا بخش اپارتمان است، خانه سازی است و این چیزها، مردم دل خوب نمی کنه به خاطری که وضع مملکت خراب است و سرمایه گذاری نمی کنند. دیگه، به صورت عموم خود دولت هم که پروژه هایش است پروژه های دولتی هم حالی به حساب ایستاد است و کار نیست آن قدر. همین سبب هایش است.

ک: پس از هر لحاظ [قطع]

DMYPrivateKabul020618: از هر لحاظ متأثر شدیم. همو زیادترین چیزش امنیت است که از لحاظ امنیتی خوب نیست. اقتصاد مردم هم ضعیف است این هم بسیار تأثیر داره. مردم وسعش نمی کشه. اگر کسی خانه ضرورت داره پول نداره که خانه جور کنه برای خود. همی چیزها زیاد تأثیر می کنه. همین حساب است که کار کم میشه.

ک: کارگرهای که، همین 50 کارگری که گفتید دایمی هستند، این ها کانترکت دارند، قرارداد دارند یا این که اینها هم به اساس یک اعتباری می آیند کار می کنند و ماهانه معاش می گیرند؟

DMYPrivateKabul020618: کانترکت دارند. کتی آنها ما کانترکت می کنیم و کانترکت دارند و از روی همین کانترکت همراه آنها [قطع]

ک: ماهانه معاش می گیرند؟

DMYPrivateKabul020618: ها ماهانه معاش می گیرند.

ک: ده چی حد معاششان است؟ حد اکثر و حد اقل؟

DMYPrivateKabul020618: حد اکثر ما که است تا [مکث] تا 800 هزار دالر [800 دالر؟] هم معاش میدادیم به کارگرها. بین یک و نیم صد دالر تا به هزار دالر هم پیش ما کارگرها بوده.

ک: خُب خُب از یک و نیم هزار [قطع]

DMYPrivateKabul020618: نی! از یک و نیم صد. تا یک هزار دالر.

ک: همین شاگردها که در خود فابریکه کار می کنند، تولید می کنند همین ها هستند؟

DMYPrivateKabul020618: بله. کس های که معاشات بلند دارند اکثرا نفرهای تخنیکی است یا مثلا انجنیرهای برق استند. همین نفرهای مسکلی که ما که ما همینجه تربیه می کنیم به مرور زمان سطح دانش شان که بالا میره باز به همو حساب معاشات شان هم بالا میره. و یک چیزی که برایت بگویم که ما به حساب تولید ما اول در پاکستان بود، در آنجا اینه اگر برایت بگویم که از سال 1994 تولید ره مه شروع کرده ام در همین بخش. در اونجه اگر بگویم که افتخار این ره دارم که اکثرا همین بخش پلاستیک افغانستان خدا میدانه که سببش ما شدیم. به خاطری که ما افغان ها ره در اونجه ده پاکستان تربیه کردیم. همو شاگردهای ما هستند که اکثرا اینجه فابریکات پلاستیک ره می چلانند.

ک: به حیث کارگر حرفوی کار می کنند یا خودشان فابریکه جور کرده اند؟

DMYPrivateKabul020618: نی. به دیگه فابریکه های که ده بخش پلاستیک، ده صنعت پلاستک فعالیت دارند، اکثرش شاگردهای خودم است که مه خود ده پاکستان تربیه کرده ام و ما افغان های ما در آنجا بوده اند. و حالی آمده اند در فابریکه ی خود ما هم افغان های خوده انتقال کرده ایم و دیگه فابریکاتی ره هم که اکثرش است همین شاگردهای ما است که فابریکه ها ره می چلانه.

ک: شرکت چگونه تولید می کنه؟ مستقیم با دست تولید می کنه؟ یا ماشینی است که کارگرها او ره فعال می سازه؟ یا این که نیمه اتوماتیک است؟ یعنی مثل همین فابریکه های نوشابه سازی و چیزها؟

DMYPrivateKabul020618: نیمه اتوماتیک بگیرشه به خاطری که صد فی صد اتوماتیک نیست. یک قسمتش است که کارگرها در او حصه می گیرند. بعد از او که بعضی قسمت هایش که اتومات ماشین ها همو قسم کار می کنند. یعنی نیمه اتومات است. در یک قسمتش خود انسان مجبور حصه بگیره. مثلا مواد ره می بری انتقال می دهی و مثلا حرارت ره عیار می کنی، همو سیستم کتایی اش ره [؟] انتقال مواده و اینی چیزها توسط انسان انجام میشه.

ک: خود تولید اما ماشین های به هم پیوسته است که مواد خام داخل میشه و از [قطع]

DMYPrivateKabul020618: ها! مواد خام که داخل شد اونجه حرارت است و کشنده است که کش می کنه و کتنگ [cutting] میشه. از او که کت شد باز یک انسان او ره انتقال میده.

ک: خودشه کلا ماشین می کنه پس؟

DMYPrivateKabul020618: دیگه اش ره ماشین. نیمه اتوماتیک است تقریبا. و این برای افغانستان همین صنعت نیمه اتوماتیک بهتر است در شرایط فعلی. چون اگر صد فی صد اتومات باشه آن قدر مردم تخنیکی اینجه نیست. و همی اکثرا سیستم برق ما هم که است آن قدر نی برق ثابت داریم و نی نی ولتاژ ثابت داریم و نی دوامدار است. اگر از فول اتوماتیک [full automatic] باشه مه که فکر می کنم به این برق با مشکلات زیاد مواجه میشیم.

ک: نرخ حد اوسط یک کالای تولیدی شما چند است در بازار؟

DMYPrivateKabul020618: مواد ما که توید میشه؟

ک: بله ها.

DMYPrivateKabul020618: ما خو به حساب سایزهای مختلفی داریم. اگر یک معیاری که برایش بگوییم اگه وزن ره [به حیث معیار بگیریم] که فی کیلو به حساب مواد اصلی که مطابق استندردهای جهانی تولید کنیم و تست های [tests] که ضرورت داره او ره پاس کنه، در حدود 120 افغانی کیلویش ره میتیم. اما در بازار آزاد مواد بی کیفیت هم است که شاید کیلوی 50 روپیه و 60 روپیه هم به فروش برسه. اما تولید خود ما تا 120 افغانی و تا 140 هم اگر اوردر [order] های خاص که میباشه باز ما نظر به ضرورت ریکوایرمنت [requirement] آنها ره می بینیم و مطالعه می کنیم و مطابق همو برایشان مواد می سازیم. دیگه در او صورت شاید یک چیزی قیمت ها دیگر هم بالاتر برود.

ک: برای تولید پلان تولیدی وجود داره یا این که به اساس سفارش تولید می کنید؟

DMYPrivateKabul020618: پلان تولید هم وجود داره و سفارش هم است. سفارش اول خو اگر کسی سفارش باشه ما مثلا، تنها همو سفارشه تولید می کنیم در غیر او همو چیزهای که برند [brand] خود ما است و روزمره فروشات ما است وقتی که ما می فهمیم که حالی سفارش نیست همو ستوک خوده مکمل می کنیم برای فروش بازار خود.

ک: یعنی یک تقسیم اوقات وجود داره؟

DMYPrivateKabul020618: بله یک تقسیم اوقات است. اگه سفارش آمد اول سفارش ره پیش می کنیم. و یا این قسمی است که ما به حساب قالب های مختلف داریم. سایزهای مختلف است. 2 انچ، 4 انچ، 6 انچ. یک آدم میته برای ما یک 500 خاده میته که 4 انچ تولید کو. در این صورت ما که 500 خاده ی این ره که جور می کنیم، به ستوک خود ما یک 200 خاده اضافه می کشیم ده ستوک خود برای فروش روزانه. همین قسم سایز 8 انچی است، 10 انچی است. هر سایزی ره که برای ما اوردر می دهند، سفارش هایش ره هم تکمیل می کنیم. و در حدود، در ضمنش همو ضرورت روزمره ی خود ما که است او ره هم می خواهیم همراهش تکمیل کنیم. و یکی دیگر بعضی اوردرها خاص می باشه. مثلا از ان.جی.او ها می باشه، از موسسات بین المللی می باشه. آنها ره هم همین قسم مطابق سفارشات شان تولید می کنیم.

ک: یعنی معمولا هم پیش تولید دارید هم به اساس سفارش تولید می کنید؟ اما بیشترش کدام است؟ بیشتر پیشتولید می کنید خریدارها می آیند می خرند [قطع]

DMYPrivateKabul020618: والله سابق که بود ما بیشتر پیشتولید می کردیم. خو حالی در همی سال های، یک سال میشه، که او قسم [نیست] چون اقتصاد مردم و مشکلات پولی برای خود ما هم پیدا شده. اکثرا سرمایه های ما که است پیش شرکت ها بند مانده. دیگه ما آن قدر پیش تولید نمی توانیم. سابق که بود ما بسیار، تا حدود یک میلیون دالر ما تیار پیش تولید در ستوک می داشتیم. اما حالی اگر برایت بگویم یک و نیم، دو لک دالر هم نمی توانیم که پیش تولید کنیم. دیگه اکثرا همو سفارش ره ترجیح می دهیم که چقدر سفارش باشه. مطابق همو تولید می کنیم. و یک چیزی ناچیز به خاطر فروشات روزمره ی خود تولید می کنیم.

ک: اگه نه سفارش بیایه و نه هم خریدار باقی بمانه چی می کنید؟

DMYPrivateKabul020618: یعنی این طور یک حالت نخواهد بود دیگه [خنده] اگه در او صورت سرمایه داشته باشیم باز هم ما تولید می کنیم به خاطری که ما [...] این ره متیقن هستیم که یک روزی می آیه که به فروش میرسه. به خاطری ده بعضی فصل ها میشه که ما سفارش هم داشته نمی باشیم [با آنهم] اگه سرمایه پیش ما باشه ما تولید خوده ادامه می دهیم. مثلا در فصل زمستان فروشات خیلی کم می باشه. ما تولید می کنیم پس دوباره بهار که شوه خود به خود، حتا ده فصل بهار ما رسیدگی نمی توانیم بعضی اوقات. دیگه به او خاطر ما به این مطمین هستیم که همو ستوک خوده مکمل تولید می کنیم و فروشش مشکل نخواهد بود. و یک در حالاتی که فعلا آمده، وضعیت فعلی یک حالت استثنایی است. دیگه کس پیشگویی کرده نمی توانه. اگه وضعیت امنیتی دیگه هم خراب شوه، یک حالتی بیایه او ره دیگه کس پیش بینی کرده نمی توانه که چی شوه. خو امید ما است که خدا مهربان اس که خوب شوه.

ک: سرمایه ی اولیه شرکت از کجا است؟ مثلا شما قرض گرفتید که قرض ره دوباره پس بدهید؟ کمک دولت بود؟ یا این که کاملا شخصی بوده؟ یا گروپی از سهمدارها جمع شده اند؟ چی رقم است؟

DMYPrivateKabul020618: سرمایه ی اولیه ی ما خو یک گروپی از سهمدارهای که افغان ها بودند اول در یک موسسه ای به نام داکار است همینجه، چندین کس های بودند که در او کار می کردند. در او برادر خود مه هم بودند در پاکستان. بعدا که او فابریکه سقوط می کنه، افغان ها از اونجه می برآیند و همین چند افغانی با هم یک اتحادیه ره تشکیل می دهند. هر کسی که یک لک کلدار، دو لک، 50 هزار، هر کس مطابق وسع خود یک سرمایه داشتند، چون مسلک شان بود در همین مسلک وارد بودند، همه با هم یک اتحادیه ره تشکیل دادند و از همو سرمایه ی خود استفاده کردند. بالآخره خداوند این ره برایشان رشد داد. آنجا در پاکستان همین چیزی ره که تولید می کردند، اول پمپ های دستی آب بود و در کمپ های مهاجرین به حساب همین موسسات خارجی، بین المللی که بود، یو.ان.اچ.سی.آر یا داکار بود، یونیسف بود، همینها خریداری می کردند برای مهاجرین برای آب رسانی [نامفهوم] نصب می کردند. و همو اتحادیه سبب این شد که بالآخره ما ره تا افغانستان رساند و فعلا اینجه تولید می کنیم.

ک: حالی فعلا همو اتحادیه است؟

DMYPrivateKabul020618: حالی نی. او اتحادیه باز برهه شکست و تقریبا حالی تنها خود ما اینجه مانده ایم.

ک: چند نفر بود در اتحادیه؟

DMYPrivateKabul020618: در او اتحادیه ما در افغانستان هفت نفر بودیم. هفت نفر شریک بودیم

ک: ارزش کلی دارایی های شرکت ره چقدر تخمین می زنید؟

DMYPrivateKabul020618: تنها از افغانستانه یا از پاکستانه [هم]؟

ک: پاکستان و افغانستان، هر جایی که شما؟

DMYPrivateKabul020618: اینجه خو فعلا در کابل که است شرکت دیگه تنها مربوط خودم است. در حدود یک میلیون تا یک و نیم میلیون دالر میشه.

ک: ماشین آلات و [قطع]

DMYPrivateKabul020618: ماشین آلات و زیادتر قرض های ما که تمامشه [...] و جایدادهای ما همه اش یک و نیم میلیون دالر میشه. و در پاکستان دیگه باز تا هنوز هم یک حصه، یک شراکت است یک سه نفر شریک هستیم. آنجا هم شاید یک و نیم میلیون دالر سهم ما باشه.

ک: زمین ره باز شامل ساحه ی پارک های صنعتی میشه؟

DMYPrivateKabul020618: ها

ک: این ره باید کرایه بدهید؟

DMYPrivateKabul020618: نی. این ساحه خو حالی فعلا کرایه است. ما کرایه می دهیم. اما زمین خریداری کرده ایم ده همی قسمت یک پنج جریب ره خریده ایم دیگه شاید تا یک سال بعد انشاالله اونجه به خیر انتقال بدهیم.

ک: شرکت شامل کدام اتحادیه تجاری است؟

DMYPrivateKabul020618: بله. اتحادیه صنعت کارها است. که همی [رییس اتحادیه] است. و دیگه همراه اتحادیه ی شرکت های ساختمانی هم راجستر هستیم و کتی آنها هم رفت و آمد داریم. به نام ای.بی.ای هستند، افغانستان بلدرس اسوسیشن [Afghanistan Builders Association] همراه آنها هم هستیم. و انجمن صنایع افغانستان

ک: این بخش سوال ها بیشتر بالا شما است به عنوان مولد. سوالم اولم این است که در وقتی که فارغ هستید، به خاطری که ما کلمه ی ساعتتیر می گوییم نی، برای ساعتتیر چی کاری می کنید؟ وقتی که کار کاملا تمام شد؟

DMYPrivateKabul020618: یارا اگر برایت بگویم در افغانستان فارغ مشکل است که باشم [خنده]. فقط فراغت همو وقت استراحت اگه ده همو خانه بروم همراه طفل ها یک کم و تم یک اندازه درس شان برایشان بدهم. ده همو مکتب که میروند پس همو کارهای خانگی شان ره و این چیزها ره چک کنیم.

ک: پس همراه طفل ها مصروف هستید؟

DMYPrivateKabul020618: همراه طفل ها یک ذره مصروف هستیم. دیگه ده اینجه که ده دفتر می آیم، یا اگه ده میتنگ های می رویم، اکثرا مصروف هستیم در همین کارها. وقت بیگار نداریم.

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

DMYPrivateKabul020618: در این یکی، دو سال خو نی. مصروف کار هستیم.

ک: یک فامیل دارید یا چند فامیل؟

DMYPrivateKabul020618: یک فامیل هستیم.

ک: در اجتماعی که زندگی می کنید مردم یک تصویری از شما دارند، یک احساسی خود آدم هم از جایگاه مالی خود می داشته باشه. فکر می کنید که یک آدم سرمایه دار هستید؟ یعنی جزء سرمایه گذار ها هستید یا این که یک نفر معاش بگیری ده حد متوسط هستید، کس یکمدار و فقیر هستید؟ مردم شما ره ده چی شکل می بینه؟

DMYPrivateKabul020618: مردم خو ما ره ده شکل سرمایه دار فکر می کنه اما همو یک متل داریم که بیرونش مه ره خورد و درونش مردمه [خنده] [بیرونش مردمه بازی داد درونش مه ره] ده همی حالت ما قرار داریم ده شرایط فعلی. اما مردم تصورش، کاملا میگن که سرمایه دار هستند و

ک: مردم تصورشان همین است؟

DMYPrivateKabul020618: ها.

ک: تحصیلاتتان در چی حد است؟

DMYPrivateKabul020618: تحصیلات ما لیسانس است، طبابت. پوهنزی طب ننگرهار فارغ شده ام. از جلال آباد. البته پاکستان یک سه، چهار سال اونجه خوانده بودم باز سال آخر جلال آباد آمدم.

ک: اگه وقتش ره داشته باشید از اینها، مثلا، خوش دارید بروید به نمایشگاه هنری، به یک محفل مشاعره، به یک محفل کتابخوانی، یا این که بروید به قرغه، به حوض آببازی، یگان ورزش بازی کنید، بیلیارد بزنید، همراه دوست ها ده یگان رستورانت بروید؟ یا این که به هیچ کدام اینها پول ندارید؟

DMYPrivateKabul020618: والله ده شرایط فعلی تنها به ورزش علاقه دارم که ورزش زیاد و ها. و می خواهم که یگان جای قرغه برویم، دیگه برویم، اما شرایط امنیتی و هم مشکلات اقتصادی هم زیاد است. در این وقت.

ک: پس اگر وقتش را داشته باشید دوست دارید بروید قرغه؟

DMYPrivateKabul020618: بله، ها. به ورزش هم علاقه دارم.

ک: ده کدام نقطه شهر زندگی می کنید؟

DMYPrivateKabul020618: ده ناحیه ی هشتم که بی بی نثار می گن. ساحه ای است که که ساحه ای نمره ای هم نیست. بی بی نثار، قلعه ی وزیر می گوینش.

ک: قبلا هم همانجا زندگی می کردید؟

DMYPrivateKabul020618: مه خو اصلا از لوگر هستیم و پاکستان هجرت کرده بودیم. باز که آمدیم دیگه ده همینجه زمین گرفتی و خانه ده همانجا ساختیم و ده همونجه زندگی می کنیم.

ک: اطفال مکتب خصوصی می روند یا دولتی؟

DMYPrivateKabul020618: مکتب خصوصی می روند.

ک: برای ایجاد شرکت روابط فامیلی برای شما کمک شد، دوست ها و رفیق ها، اعضای جامعه آمدند برایتان کمک کردند؟ ده همو اول که شرکت ره ایجاد کردید.

DMYPrivateKabul020618: همین دوست ها و رفیق ها بسیار همکاری کردند. رفیق ها که همو کس های که به حساب همونجه مشترک وظیفه و کار داشتند، وظیفه به حساب سبکدوش شان کرد و بعد از او رفتند همین رفیق ها با هم شیشتن همین شکل یک اتحادیه ره تشکیل دادند و همین بسیار همکاری کرد. و بعضی دوست های دیگری که هم مشوره کردیم آنها هم مشوره ی نیک دادند که کاری خوب است اقدام بکنید. ما به بسیار مشکلات اگر بگویم، ما هیچ هم سرمایه ای ما هم که بود این طور نبود که نبوده که ما خود ما [...] ما تنها کس ها، نفرهای تخنیکی بودیم. ماشینری که بود از پاکستانی ها مثلا [...] ده لاهور رفتیم کتی آنها گپ زدیم که اینه یک پرزه ره ما جور می کنیم خود ما می سازیم. ماشین از تو باشه چند روپیه برایت بدهیم [ماشین را کرایه گرفتیم]. کتی آنها یک توافق کردیم که ماشینری ره ما امکاناته نداشتیم [که بخریم] به بسیار مشکلات این کار ره ما شروع کردیم. ماشینری ره از پاکستانی مثلا او ره ده یک پوند اگه می ساختیم 100 روپیه باید برای او می دادیم. کار ره خود ما می کردیم ماشینری از او برق از او، به حساب [کرایه] می داد. ما جنس ره می ساختیم باز می آوردیم ده بازار به فروش می رساندیم. تا این که یک چند بار همین چیز دور خورد، همین سرکل [circle] و بالآخره خداوند برای ما ده اونجه زمینه ی این مساعد شد [کرد] که جای گرفتیم ده پاکستان، برای این کار ماشینری گرفتیم برای خود، مستقل یک صنعت ره تهداب گذاری کردیم.

ک: باز همین ره آوردید به افغانستان؟

DMYPrivateKabul020618: باز بالآخره تقریبا از 1994 تا 2003 ره [ده پاکستان]. تا 2003 ده پاکستان بودیم و در اونجه تولید می کردیم. 90 فیصد تولید ما به افغانستان می آمد. 10 فیصد ده اونجه فروشات داشتیم. دیگه باز بعد از 2003 یک قسمتی از فابریکه ها و ماشینری ره اینجه به افغانستان به کابل انتقال کردیم و البته با تشویق اداره ی آیسا [Afghanistan Investment Support Agency]. آنها ما ره تشویق کردند که شما بیایید به افغانستان. گر چه او وعده هایی ره که کتی ما کرده بودند که "برادر جای می دهیم و برق صحیح باشه و امنیت صحیح برایتان می گیریم" اما به وعده های خود هیچکدامشان هم وفا نکردند.

ک: تفاوت چی می بینید بین پاکستان، بازار پاکستان و نیروی بشری در پاکستان، تکنولوژی و سهولت ها و دیگر و دیگر، و افغانستان؟

DMYPrivateKabul020618: تفاوت ها خو بسیار زیاد است. بسیار بی حد زیاد است، از هر نگاه اگر بگوییم. نیروی بشری اونجه به حساب همین نفرهای سکیلد لیبر [skilled labor] بسیار به سهولت پیدا میشه اینجه بسیار مشکل است. اگر مسایل امنیتش ره مدنظر بگیریم اینجه امنیت بسیار خراب اونجه امنیت بسیار خوب. مسأله ی برق ره که به حساب ده صنعت پلاستیک رول عمده ره داره، مثلی که ده انسان قلب است، برای ما برق منحیث قلب کار می کنه در اینجه. اما ما متأسفانه نی برقی داریم که دوامدار باشه نی ولتاژ ثابت داره که اینی بسیار از نگاه صنعت پلاستیک بسیار ضربه ی زیاد میته. دیگه، اگه از نگاه مارکیت هم ببینیم مارکیت اونجه ثابت بود. مارکیت اینجه ثابت نیست. اینجه یک مشکل عمده ای که ده صنعت افغانستان می بینیم این است که اینجه یک رقابت ناسالم روان است. رقابت سالم نیست. رقابت ناسالم است. کیفیت روز به روز خراب شده میره. مردم عام هم که است کیفیت ره نمی شناسند. فقط به خاطر پول که یک روپیه ارزان باشه. اما جنسیت ره نمی شناسند. ما خود ما چون همیشه جنس استندرد در اونجه هم تولید کرده ایم و اینجه هم روابط ما مثلا با موسسات بین المللی است و جنس های ما ره می خرند. بازار آزاد اکثر از دست ما رفته و ما تقریبا که می بینیم اگه این قسم حالت باشه، به یک حالت فلج، شاید فابریکه ی ما سقوط کنه. از خاطری که ما ماشینری ما که است برای جنس ستندرد او ره عیار ساخته ایم. برای جنس سب‌ستندرد یا غیر ستندرد عیار نیست. اگه ما اینالی او ره به جنس سب‌ستندرد عیار بسازیم باز جنس ستندرد تولید نمی توانیم. دیگه یک قسم یک حالتی است که بحرانی است.

ک: یعنی ماشینری طوریست که یا باید استندرد بسازه یا این که [قطع]

DMYPrivateKabul020618: ها! همو قالب ها ره مجبور تغییرات بیاوری ده بینش. دیگه اینی یک مشکل عمده ای برای صنعت افغانستان این است. دولت هم که است نی کنترول داره نی کیفیت ده می فهمه. نی همکاری داره. فقط این یک مشکل دیگه این است که مثلا یک آدم رفته به 50 هزار دالر یک ماشین ره خریده مه یک میلیون دالر ره سرمایه گذاری کرده ام. 50 هزار دالر ره ارزش زیاد داره کارش هم روان است اما یک میلیون دالر روز به روز خراب شده میره. اهمیت خوده از دست میته. به خاطری که جنس صحیحی که تولید می کنیم او ره کس نمی خره. نی دولت می خره نی [...] سابق که بود موسسات بین المللی بود. اما حالی اکثرا پروژه ها هم مربوط دولت شده دولت نی کیفیت ره می شناسه. فقط مسأله پول است که هر کس پول داد همو ره می خره. کیفیت هیچ مطرح نیست. دیگه ما در اینجه مشکل عمده ای که به حساب صنعت افغانستان از بین میره به نظر مه همی است که اینجه کیفیت کنترول نمیشه. از این که ما تشویق شویم روز به روز که جنس خوبه تولید کنیم، تشویق شده برویم، جنس ما به فروش برسه، مردم از این یک چیزه بفهمه، برخلاف ما روز به روز از صحنه از مارکیت برآمده می رویم. جنس ما که تولید میشه، به فروش نمی رسه. سر ما ستوک می مانه. همین است که ما ره به حالت سقوط مواجه می کنه.

ک: در قسمت تفاوت ها بین پاکستان و افغانستان بعدا هم دیگر سوال می کنم. فعلا در قسمت، گفتید [...] چند موتر دارید؟

DMYPrivateKabul020618: خودم خو فعلا یک موتر دارم. دیگه دو، سه موتر برای شرکت است.

ک: همین موتری که [قبلا دیدم]

DMYPrivateKabul020618: بله ها. مودل 2010 است.

ک: حج هم رفته اید؟

DMYPrivateKabul020618: ها حج رفته ام.

ک: چند بار حج رفته اید؟

DMYPrivateKabul020618: حج فرضی خو یک بار رفته ام. دو بار عمره. حج عمره.

ک: چند باب خانه دارید؟

DMYPrivateKabul020618: یک باب خانه داریم.

ک: ده بیرون خو خانه ندارید؟ بیرون از افغانستان؟

DMYPrivateKabul020618: نی!

ک: دوست های همراهشان رابطه دارید چی رقم انسان هایی هستند؟

DMYPrivateKabul020618: یارا [تکیه کلامی بیشتر مروج ده پاکستان] اگه مه رایت بگویم خو مه رفیق و رفیق بازی ره هم خوش ندارم. دیگه فقط همین دو، سه نفر همصنفی مه که انسان های بسیار نیک و نیک عمل هستند کتی همونها اکثرا ارتباط دارم. و یگان همین روابط کاری است با این اتحادیه ای که است که در همین رفت و آمد است [قطع]

ک: بیشتر با صنعتکارها [روبط دارید]

DMYPrivateKabul020618: ها صنعتکارها، کتی همین ها یگان ارتباطاتی، روابط کاری است اینها.

ک: پس گفتید مسایل امنیتی بالای کار شما شدیدا تأثیرگذار بوده؟

DMYPrivateKabul020618: بالکل!

ک: این طور کدام سالی بوده که احساس کرده باشید که بعد از همو شدیدا وضع امنیتی، یا وضع تجاری حالت رکوده دیده باشه؟

DMYPrivateKabul020618: بعد از 2014 و اکثرا همین مسایل سیاسی، مثلا، انتخابات و همین ها هم بسیار زیاد تأثیر کرده. اکثرا مثلا یک انفجار میشه [مزاحمت] بعد از این دیگه که مسایل انتخابات که شروع شد این بسیار کار و بار ره چیز کرد. دیگه همین چیزهایی ره که ما می بینیم وضعیت امنیتی، فرار افغان ها از افغانستان، سرمایه ره کشیده می روند. همین است که کار و بار ره با سقوط مواجه کرده.

ک: تولید ره مثلا چی رقم [...] شما این طور شده که سرمایه ره به شعبه پاکستان انتقال داده باشید به خاطری که وضعیت ده افغانستان قابل پیش بینی نیست؟

DMYPrivateKabul020618: نی، از اینجه ره انتقال نداده ایم. به خاطری که از اونجه ره اینجه انتقال داده ایم.

ک: بعد از 2014 هم؟

DMYPrivateKabul020618: بعد از 2014 هم چیزی سرمایه [...] مثلا همینجه زمین خریدیم به خود به خاطری همین جای فابریکه ی خود. سرمایه اش ره اکثرا از همونجه ما انتقال دادیم. دیگر فقط امیدی از این ره داریم که خدا مهربان است [...] چون در پاکستان که بودیم یک ناامیدی، یک زندگی ناامیدی بود برای ما نی! ملک مردم بود، اگر چه سهولت از اینجه کرده بسیار برای ما خوب بود. مگر اینجه به این امید آمدیم که ملک ما است و یک احساسی داشتیم که به ملک خود خدمت کنیم و به مردم خود خدمت کنیم. و یک روزی شوه که مثلی که همی تمامی ممالک دنیایی ره که می بینیم، تمامش همین مشکلاته پُشت سر گذاشته اند نی، دیگه ما هم به همین امید که یک روزی شوه که ما هم مثل همین ممالک خودکفا شویم. به حساب حکومت صحیح داشته باشیم. برق صحیح داشته باشیم. فابریکه ی صحیح داشته باشیم. تولید صحیح داشته باشیم و یک جامعه ای به حساب خوش و مرفه داشته باشیم.

ک: این بخش بیشتر بالای طرز تصمیم گیری در داخل شرکت است. سوال اولم اینست که تصمیم گیری ها در باره ی مصارف کلان در باره ی دسترسی به مواد خام یا مصرف مفاد، بیشتر متمرکز است یا این که تمام کس های که در شرکت کار می کنند، به شمول شاگردها، همراه آنها مشوره گرفته میشه و ده مشوره با همه تصمیم گرفته میشه؟

DMYPrivateKabul020618: این خو اکثرا مربوط خودم می باشه. تیم کاری ما در نهایت کس های تخنیکی که است یگان مشکلاتی که به حساب نرخ ها می آیه یا یگانی که برای ما اوردر میته که به حساب جنس بی کیفیت برای ما جور کو ما برای آنها مجبور هستیم تولید کنیم، نظر به خواهش آنها. دیگه باز کتی تیم تخنیکی خود مشوره می کنیم که آیا همین ماشینری ما همین قالب های ما می توانیم که این ره به همو ستندردی که آنها می خواهند تولید کنیم یا نکنیم. بعد از او ما سنجنش می کنیم و آنها ره از پیش آنها مشوره می گیریم.

ک: درست. فقط ده حساب کاری است نه در قسمت مصارف و چیزهای دیگه بیشتر تصمیم در دست شما است؟

DMYPrivateKabul020618: ها بیشتر تصمیم از طرف مه است.

ک: به کارگرها برعلاوه معاش دیگه چی خدماتی ارایه می کنید؟

DMYPrivateKabul020618: یگان کارگرهای ما که است به حساب اداری، مثلا، کارت موبایل است و یگان بخششی اگه ببینیم که یگانی که خوب کار کنه، یک چیزی برایشان میتیم. مکافات و مجازات کم و تم است.

ک: شاگردها [...] ده بعضی کارخانه های دیگه گفته اند که برای کارگرها نان می دهند و [قطع]

DMYPrivateKabul020618: ما نان هم می دهیم. نان خو ده افغانستان یک چیز لازم است. سه وقت فول نان می دهیم. جای برایشان می دهیم. اینجه کارگرهای ما. سهولت جای است کسی که خو [خواب] می کنه و صرف کس های که ده دفتر است خانه میره دیگه اکثرا کارگرهای ما مکمل همینجه می باشند 24 ساعت. دو شفت کار می کنند، یک شفت استراحت می کنند. دیگه شفتی که می خیزه، دیگه شفت استراحت می کنه [یک شفت که می خیزه، دیگه شفت استراحت می کنه].

ک: کارگرها خو عضو کدام اتحادیه ای یا چیزی خو نیستند که [...] مه نمی فهمم که ده افغانستان اتحادیه ی کارگری یا ترید یونیون [trade union] و این چیزها است؟

DMYPrivateKabul020618: اتحادیه ی کارگری است همینجه. ما برای آنها حتا به حساب سهمیه ای که است برایشان می دهیم.

ک: است؟

DMYPrivateKabul020618: است است. ده همی پهلوی انجمن صنایع افغانستان اتحادیه ی کارگرها هم است.

ک: خود شاگردهای شرکت [شرکت شما] خو نیستند اعضای این اتحادیه؟

DMYPrivateKabul020618: از طرف دفتر ما برای آنها یک حق العضویت می دهیم به حساب کارگرهای خود.

ک: دلیل این حق العضویت چیست؟ آنها کدام کاری می کنند برای کارگرها؟

DMYPrivateKabul020618: آنها خو فقط حالی دیگه ما خو این طور کاری ره ندیده ایم [ازیشان] خو همین که به نام همین چیز زنده است نی، ما می گوییم که همین نام زنده اس [کمکش می کنیم] اما این طور کدام کاری ره از پیشش ندیده ایم. این طور کاری از پیش شان [قطع]

ک: فقط به نام یک چیزی [قطع]

DMYPrivateKabul020618: به همو نام زنده است! شاید دولت هم چیزی کمک اش میکنه و برای ما خو کدام چیزی واقع نشده [مفید]. خو شاید برای بعضی کمپنی ها مفید هم واقع شده باشه. بعضی مشکلات شان ره [...] نظر به چیزی، تا حال که ما چقدر خبر دارم، مثلا یک مشکلاتی یک کارگر پیدا شوه، یک کارگر تخنیکی ام است، اینجه کار می کنه، مه سر او مصرف کرده ام، سال ها وقت ره تیر کرده ام، به حساب او ره ترین [train] کرده ام، می خواهه که بدون اجازه ی مه بروه به یک جای دیگه با یک آدم دیگه [کار کنه] مه اگه ده هزار معاش می دهم یک پنج صد اضافه بدهدش نی. همی قسم یک تعهد است که ما با آنها مراجعه کنیم همی شاید آنها در همین مسآله ما ره همکاری کنه که این کار نشوه. چون زحمت مه کشیده ام، یک نفر ره مه تربیه کرده ام، ده یک جایی رسانده ام، دیگه حق مه است که باید کتی مه کار کنه. اگه مه کشیدمش در او صورت باز او حق داره که یک کسی دیگر بگیریشه. در غیر او باید همراه مه باشه دیگه.

ک: این طور جلسه ای یا نشستی [قطع]

DMYPrivateKabul020618: والله جلسات هم در یگان جلسات هم می بینم شان ره. اما این طور مستقیم شخصا مه ره نخواسته اند. اما ده بعضی نمایشگاه ها که می بینیم همو دفترشان می باشه [مدیرهای دفترشان]. یگان صحبت می کنیم. همو کسی که می آیه به حساب از پیش ما پول می گیره ماهوار همو شخص ره می شناسیم. کتی همو همی صبح هم دیدیم در اتحادیه ی خود.

ک: ماهوار پول می گیرند؟

DMYPrivateKabul020618: به حساب ماهوار یک چیز ناچیز پول می گیرند.

ک: کس های که در تصمیم گیری در شرکت دخیلی هستند همه از افغانستان هستند؟

DMYPrivateKabul020618: ها بله کلشان از افغانستان هستند.

ک: با دیگر شرکت های که ده عین صنعت دخیلی هستند [...] شما گفتید که شما جزء اتحادیه، افغانستان بلدرز اسوسیشن هستید، همراه اینها به گونه ی وقت و ناوقت می نشینید، مذاکره می کنید در قسمت دسترسی به مواد خام مصرف، مصارف کلان؟

DMYPrivateKabul020618: بله ما در همی اتحادیه ی صنعت کاران که است ما خود ما عضوش هستیم. یکی است که ما میتینگ های ماهوار داریم. و دیگه بعضی جلسات عاجل میشه، یک موضوع مهم میشه، باز به تمام اعضا اطلا می دهند ده او باره نشست می کنیم. مشکلات ره می خواهیم که چی قسم حل کنیم به حساب دسکس [discuss] می کنیم، راه حل اش ره. نفرها ره مسؤلیت می دهیم که ده کدام بخش کار کنند. تقریبا ده همو اتحادیه ما برای چندین بخش یک گروپ داریم. گروپ ها داریم. همو هر بخشی که مشکلی که پیدا میشه، مربوط هر گروپی که باشه، همو گروپ وظیفه ی خوده انجام میده. همو گروپ مشکل ره حل می کنه. دیگه به حساب مواد خام هم بعضی وقت، ده حساب مواد خام که سابق بود نشستی می داشتیم مگر حالی یک مشکلی است که تجارت افغانستان ثابت نیست. دیگه هر کس ده همو غم جانِ خود است و هر طرفی که، از یک نقطه ای که جنس خوب و ارزان ره به دست بیاوره، به همین حساب هر کس کوشش می کنه [مستقل پیش بره] اکثرا از تجارهای که از دیگر ممالک می آورند ما در بازار کابل خریداری می کنیم. سابق که بود مثلا یگان دفعه از دبی و حتا از امریکا توسط یگان یکی [یگان کس] از ایران و از پاکستان خریداری می کردیم. می آوردیم. مگر مشکلات ما بسیار زیاد شد، نمی توانستیم رسیده گی، پول ما و سرمایه ی ما هم زیاد بند میشد، در راه و جنجال ها و مشکلات ها وقت زیاده می گرفت، حالی بهتر همی ره می دانیم که از همین تجاری که به حساب از آنجاها وارد کنند برای ما بهتر است به آسانی و به سهولت به دسترسی ما قرار می گیره. یک روپیه، نیم روپیه قیمتتر تمام میشه. اما به همو سهولتش می ارزه. ارزش این ره داره که ما اینجه خریداری کنیم. در ضمن همو مردم هم باید رُشد کنه. تجارت هم باید رُشد کنه.

ک: با نهادهای دولتی هم مثلا کدام وقت و ناوقتی می نشینید در قسمت دسترسی به کمک های دولت، یا مشوره گرفتن از آنها، یا معلومات گرفتن از آنها، در قسمت تکنولوژِی جدید، یا نوآوری در تولید یا هر گونه مشوره ای که یا معلوماتی یا کمک مادی، همراه دولت در ارتباط هستید؟

DMYPrivateKabul020618: همراه دولت خو حتا که با خود رییس صاحب جمهور که ما ره می خواهه اکثرا در همی میتنگ های اینها اشتراک می کنیم و دیگر در یگان چیزها اشتراک می کنیم. اما اگر بگویم که در حساب حل مشکلات ما دولت او قدر همکار باشه، نیست. وعده می کنه، وعده های بسیار چرب چرب می کنه اما در عمل ما او قدر چیزه نمی بینیم. در عمل بسیار مشکل است. مشکلات ما زیاد، اکثرا اگر بگوییم در قرارداد دولتی همی حالی هر کسی ره بگویی که بیا قرارداد دولتی است، میلیون دالر ارزش داره، مه از پیشش سلام می تیم [مه ازش می گذرم]، میگم مه ره توبه از این چیز دولت. به خاطری که ده دولت آن قدر مشکلات است. همی حالی مه خودم شخصا تمام سرمایه ام از سبب دولت بند است. فابریکه ام در حال فلج شدن است. به خاطری که سرمایه ام ره قراردادهای [...] مه غیر مستقیم دخیل هستم یک شرکتی قرارداد دولتی ره گرفته، جنس ره از مه گرفته، پول مه آنجا بند است. پول او ره دولت نمیته، این مردکه پول مه ره نمیته. به سال ها پول هایم بند است.

ک: به همی شکل است پس؟ به گونه ای قرضه می گیرند آنها [قطع]

DMYPrivateKabul020618: قرضه می گیرند. به حسابِ اینها با ما یک شناخت داشتند یا مثلا همین پروژه ی قصبه است. پیش از او که بود پیش از 2014 اکثرا، 50 یا 60 شرکت ساختمانی همراه ما ارتباط داشت، تمامش ره مه جنس می دادم. به همو وجه احسن اگه یک ماه مگفتند، یا 15 روز، پولم ره پس برگشت می کرد. وقتی که پروژه ی بین المللی زیادتر هم کاهش یافت، شرکت ها به پروژه های دولتی رجوع کردند. چون یک ارتباط ما داشتیم همراهِ این شرکت ها، و ارتباط حسنه داشتیم، روابط پولی ما خوب بود، مشکلات نبود، آنها که پروژه دولت ره گرفتند، از پیش ما مثلا یک شرکت، 50 شرکت است که ده ده لک روپیه [قرض] بدهی، ده کجا میرسه [حدش]؟ ده حدود 50 لک روپیه میشه! قرضه گرفته اند که اینه پس قرضه ره پس می دهم، کار ره کردند دولت پیسه اش ره نداد. باز مراجعه کرده اند [در برخی موارد و با وجود قرضه ی اول]. چون یک شناخت بود باز یک ده ده لک روپیه ی دیگه برایشان داده ام. بعضی ره بیست لک داده ام بعضی ره سی لک داده ام. مگر همی سه، چهار سال میشه که پیسه ی ما ره همونجه، دولت از آنها ره بند کرده، از ما پیش اینها بند است. دیگه ما اکثر از همی سبب فلج شده ایم. دیگه پروژه های دولتی از این که برای ما دولت مفاد برسانه، خودشان اونه چیزشان است ده هر میتنگ هم که می نشینند وزیر صاحب ها لاف و پتاق شان دنیا ره گرفته! اما در عمل هیچ چیزی هم نیست و برای مردم هیچ کاری نکرده اند. همی کس های که می خواهند در این ملک خدمت کنند مانع خدمات آنها می شوند. همو سرمایه یشان ره مکمل بلاک کرده اند. بی غم اونه می گردن، ده یک ملک برو، ده دیگه ملک برو. اینجه میتنگ بگیر، اونجه میتنگ بگیر. در عمل هیچ چیز هم نیستند.

ک: همراهِ سیگار هم شما در تماس شده اید؟

DMYPrivateKabul020618: همراهِ سیگار نی. مستقیم به تماس نیستیم. اما با پروژه های بین المللی مثل یو.اس آرمی کورپ [US Army Corps] ره و دیگه پروژه های بین المللی ره اکثر ما سپلای می کردیم. مثلا حالی آی.سی.آر.سی است که زیاد همراه همو [...] صلیب سرخ که است. ارتباطات خوبی داریم و جنس خوب هم سپلای می کنیم برایشان. یا مثلا موسسه داکار هست یا یونسف است که ما سابق زیاد سپلایی می کردیم برایش. اکثر ما علاقهمندی ما همین یو.ان.اچ.سی.آر و همی موسسات است. شرکت های خارجی. شرکت های داخلی گفتم، تولیدی که همی داخلی است به حساب، خصوصا که مربوط دولت افغانستان کدام پروژه ای که میشه، ما ره بیخی دلسرد ساخته. از همو سرمایه گذاری بیخی دل ما ره سیاه ساخته [خنده].

ک: همراه نهادهای غیرتجاری مثل جامعه مدنی میلی، مثلا، درمحلی که زندگی می کنید، یک شورای محلی است یا یک فرض کنیم یک اتحادیهی جوان ها است یا یک چیزی، همراه اینها هم یک ارتباطی دارید که بالای تجارت شما تأثیرگذار باشه یا از آنها مشوره گرفته باشید یا آنها کدام مشوره ای به شما داده باشه در قسمت مصرف مفاد و این کپ ها؟

DMYPrivateKabul020618: ایطور است که ما که ده جایی که زندگی می کنیم همو مسایل محلی است. کتی آنها یگان ارتباط و مشور [می کنیم] اما به حساب دفتری که است، دفتر مرکزی ما ده شهر نو است، آنجا بهضعی، جندنی دفعه بعضی همی دوست های که به حساب اخبار کار می کنند برای خبر، می آیند به حساب یگان پروژه پرسان می کنند و ما برایشان معلومات می دهیم. یگان چیزهایی ره که می فهمیم.

ک: گاهی وقت هایی میشه که آدم در تجارت می بینه که از لحا ظ مالی دامه ی همین تجارت ممن نیست. خود آدم اراده داره، امید داره اما از لحاظ مالی چون پول نیست [ممکن نیست] این طور روزی رسیده که شما با همین حالت مواجه شده باشید و پس خوده بیرون کشیده باشید؟ که بگویید که همین آخر خط است و مه بعد از این ادامه نمی دهم؟

DMYPrivateKabul020618: بله. روزهایی رسیده مثلا در همین سالی که همین دو، ماه، سه ماهی که تیر شد بسیار وضعیت کاری خراب بود برای ما، خصوصا در کابل. حتا تصمیم گیری ما این بود که دفتر شهر نو خوده رها کنیم. و حتا اینجه یک مشکلی که به حساب فابریکه داریم، ما به این تصمیم بودیم که جای کرایه ای است. خُب کوشش می کنیم که یک رقم نی یک رقم همو مصارفات، کرایه، معاش پرسونل کشیده شوه. دیگه به همین حالت [هستیم]. دیگه جایی را هم که خریده ایم، از همین مجبوریِ که به حساب ما از این کرایه خلاص شویم، مگر همین طور حالت ها اگر بیایه و دروازه ی ما بند باشه، اقلا کرایه و مصارف سر ما نباشه.

ک: کرایه ره ب دولت می دهید؟

DMYPrivateKabul020618: نی کرایه ره از شخص اس، برای شخص می دهیم. جای شخص ره به کرایه گرفته ایم.

ک: بازاریابی و فروش و تولیدات شما بیشتر در کدام شهر میشه؟

DMYPrivateKabul020618: تقریبا چون ما از 1994 که از پاکستان شروع کردیم، دیگه در افغانستان در تمام ولایات عمده اش نمایندگی داشته ایم. فعلا هم است تقریبا.

ک: ولی بیشتر فروشات در کدام ولایت است؟

DMYPrivateKabul020618: بیشتر فروشات ما مزار و کابل، هلمند است، غزنی است، لوگر است، پکتیا است، خوست است، ده این ولایت ها ما فروشات ما است و نمایندگی های ما است چون وضعیت کاری بسیار خراب است. همه ره که چیز می کنیم [خبر می گیریم] خوش نیستند.

ک: آخرین بار در کدام سال بالای توسعه شرکت پول مصرف کردید، مثلا یک ماشین خردید؟ یا تعمیر نو خریدید؟ یا مثلا زمین نو خردیدی؟

DMYPrivateKabul020618: زمین ره ده همین سال 2017 ده آخر همین 2017، شروع 2018، خریدیدم، دیگه به حساب ماشینری خو چیزی نو نخریدیم. البته بعضی ترمیماتی که ضرورت میشه در ماشین های ما همو ره می کنیم.

ک: از سال 2003 به این طرف دیگه ماشین نخریده اید؟

DMYPrivateKabul020618: از سال 2003 نی. دیگه ماشین نخریده ایم. ببخشید. از سال 2003 او وقت البته ده پاکستان بودیم. ده 2003 ده پاکستان خریداری های زیادی کردم ده اونجه. همین ماشینری ما هم که است از پاکستان در سال 2013 است انتقال شدیم اینجه. از 2013 به این طرف ما همو ماشین های خوده که از پاکستان انتقال کردیم، ماشین نو نخریدیم، البته یگان پارتی که ضرورت میشه، همو چیزها ره خریداری کرده ایم.

ک: پس شرکت ره ده 2013 اینجه آوردید؟

DMYPrivateKabul020618: ها، 2013. 1393 دیگه، نمی فهمم که 2013 [میشه یا نه]. یا آخرهای 12 خواهد بود یا شروع های 13.

ک: قبل از او پس در پاکستان بود؟

DMYPrivateKabul020618: قبل از او تولدی ره ده پاکستان می کردیم [قطع]

ک: کاملا!

DMYPrivateKabul020618: ها! کاملا. 90 فیصد تولیدات همینجه می آمد و به فروش میرسید.

ک: اگر ارزش یک کالای تولیدی شما فرضا 10 افغانی باشه، معاش یک شاگرد برای تولید همین کالا چند افغانی است؟ خوب برای این که آسانتر شوه، مثلا ارزش یک کالا باشه 100 افغانی، معاش یک شاگرد چند افغانی می توانه باشه؟

DMYPrivateKabul020618: ده او فیصدی اش ره می خواهی؟

ک: ها!

DMYPrivateKabul020618: فیصدی اش ره خو مه اگر یک سنجش دقیق بگیریم. شاید یک دو فیصدش برای آنها بمانه.

ک: مفاد باز چند است از همین کالا؟

والله مفاد نظر به شرایط فرق می کنه. ما حالاتی میشه که از مفاد تیر میشیم به تاوان هم جنس خوده می فروشیم که مجبوریت میباشه. مثلا بل برق است که مجبور استیم تحویل کنیم. جنس به فروش نمیرسه خریدار می آیه می گوییم که اگر سربه سر سودا شوه هم می فروشیم و اگر ببینیم یک چیزی تاوان هم، مجبور هستیم برداشت کنیم. اما بعضی وقت میشه که مفاد هم می کنیم. خو مفاد در صورت عموم فعلا در شرایط فعلی 5 الی 10 فیصد زیاد نیست – زیاد اگر باشه. بعضی وقت ها گفتم که به تاوان یا سر به سر هم میشه.

ک: ارزش مواد خام تان چقدر است؟ مثلا در یک، فرضا، در یک سال چند تُن پلاستیک خام ره می خرید یا رابر خام ره می خرید که [قطع]

DMYPrivateKabul020618: او این طور است که یکی ظرفیت تولید است. که ظرفیت تولیدی ما چقدر است. ما ظرفیت تولیدی ما زیاد است. اما آن قدر اوردر در شرایط فعلی نیست که ما ظرفیت ره مشغول کنیم. تمام ظرفیت ره ما نمی توانیم که تولید کنیم. حتا از نیم هم پایین است. تقریبا اگر بگویم ده سال شش هزار تُن شاید تولید ما باشه.

ک: یعنی شش هزار تُن ره مواد خام می خرید؟

DMYPrivateKabul020618: ها، شش هزار تُن ره مواد خام می خریم و همو تولید میشه.

ک: خیلی شرکت کلان است پس؟

DMYPrivateKabul020618: ها دیگه. تولید ما اگر برایتان بگویم تا 24 هزار تُن هم رسیده.

ک: ده همی خود کابل یا بیرون؟

DMYPrivateKabul020618: ده همی خود کابل! که مواد باشه که اوردر باشه که پول باشه فروشات باشه، همین ماشینری ما ظرفیت تولید تا 24 هزار تُن ره داره.

ک: باز این مواد خام بیشتر از کجا به دست می آیه؟ منبع اش در کجاست؟ منبع داخلی داره یا [قطع]

DMYPrivateKabul020618: نی مواد خام که است اکثرا از منابع خارجی است. متأسفانه در افغانستان [وجود نداره]. البته یک قسمتش ره حالی فعلا یک کلسیم کاربونیت است که خوشبختانه تولیدش در کشور آغاز شده است. سابق او ره هم ما از خارج می آوردیم. دیگه مواد کیمیایی است که اینجه تولید نمیشه. مثلا از کوریا است از ترکیه است. از چین است و مثلا جرمنی، از ممالک مختلف است. و مواد اساسی که به حساب ریزن ما می گوییم یا پولی وینایل کلوراید است آنها که است فعلا زیاد فیصدی از چین است، یک 50، 60 فیصد از چین می آیه. یک 20، 30 فیصد شاید از ایران بیایه. دیگه از همین ممالک عربی است یک چیزی. سابق که بود البته از امریکا هم می آمد که ما خود ما چندین دفعه مواد امریکایی ره از دوبی و از اینجاها خریداری کرده ایم. بسیار مواد باکیفیت بود. متأسفانه که قیمتش یک ذره نظر به دیگر موادهای که ده دبی پیدا میشد بلندتر تمام میشد. دیگه اینجه به مارکیت ما به فروش رسانده نمی توانستیم. اکثر آنها [این موادهای خام] پس از مارکیت برآمدند. اگر نی جنس بسیار خوب بودند. ولی اکثر 60 فیصدش از چین است. باقیمانده اش ایران و دیگر ممالک عربی است.

ک: به حساب پکجنگ و لیبل زدن و اینها هم از بیرون می آیه؟

DMYPrivateKabul020618: پکجنگ خو اونجه مواد آنها ره میگین یا مواد خود ما؟

ک: از شما، بعد از این که تولید میشه.

DMYPrivateKabul020618: بعد از این که تولید شد ما لیبل داریم به حساب سیستم های کمپیوتر. ده خود کمپنی ترید مارک ما است و با همو استندردهای که است مطابق همو ستندردها همون ها را لیبل می زنیم. ماشین های کمپیوتری داریم. همون ها لیبل می زنند. به حساب هدایت می دهند.

ک: مصرف همین شش هزار تُن مواد خام چقدر تخمین می زنید؟ مثلا یک تُن چقدر مصرف می آیه برای شما به حساب دالر یا افغانی یا؟

DMYPrivateKabul020618: ما اگر برایت بگویم به حساب تُن ده یک کیلو 15 افغانی مصرف ما می آیه. یک تُن اش تقریبا 15 هزار مصرف داره. منوفکچرنک کوست [manufacturing cost] ما 15 افغانی است. ده یک کیلو البته. ده یک تُن 15 هزار میشه.

ک: ارزش کلی سرمایه گذاری غیر قابل انتقال، تعمیر می سازه یا ماشین های که قابل انتقال نیست به یک جای دیگری، این ره گفتید که بینِ صد تا یک و نیم صد هزار دالر است؟

DMYPrivateKabul020618: نی فعلا زمینی ره که مه خودم شخصا خریداری کرده ام که تنها یک زمین است که همی حالی تقریبا یک پنج لک دالر ارزشش است.

ک: و ماشین آلات؟

DMYPrivateKabul020618: ماشین آلات ما خو قابل انتقال است دیگه!

ک: ماشین ها فقط به درد یک نوع تولید می خورند؟ یعنی اگر فرضا فردا بگویید که پیپ ساختن باصرفه نیست، مه میرم تیر می سازیم، یا جوس می سازم، یا لبنیات می سازم؟

DMYPrivateKabul020618: نی ای تنها برای همین پیپ ساختن است.

ک: این طور شده که شما پیش‌تولید کره باشید ولی در گدام باقی مانده باشه و به فروش نرسیده باشه؟ یعنی سال قبل تولیدش مانده باشه به سال بعد؟

DMYPrivateKabul020618: بله این طور میشه

ک: معمولا همین گونه میشه؟

DMYPrivateKabul020618: بسیار وقت ها میشه که تولید می مانه به دیگه سال. این طور وقت ها میشه که حتا رسانده نمی توانیم هم. شارت میشه بعضی وقت مارکیت ها. در شرایط فعلی اکثرا می مانه.

ک: رقابت با رقیب های خارجی چی رقم است؟ دیدگاه شما چی است در این رابطه؟

DMYPrivateKabul020618: یارا فعلا خو ما این طور رقیب خارجی ره اینجه نمی بینیم. انشاالله افغانستان به حساب پیپ به خصوص خودکفا است تقریبا. و خوشبختانه کمپنی خود مه که مه چیزهایی ره که میگم [...] مه چون اصلا طبابت خوانده ام ولی اگه بگویمت ماستری خوده ده حساب پلاستیک پیپ گرفته ام. دیگه در این کافی تجربه دارم و به معیارهای بین المللی که است، ما خود ما چون معیار نداریم، بی.اس.اس [British standard] است یا اچ.تی.ام است که استندر امریکایی است یا دی.ان از جرمنی است. به همو معیار به همو تست های که ضرورت است ما می توانیم تولید کنیم. تمام تست هایش ره هم می فهمیم و به حساب همو فرمولش ره هم به حساب عیار ساخته ایم و رقابت خارجی کتی ما مشکل است. به خاطری که انتقالات این بسیار مصرف کار داره. از یک ملک دیگر اگر این انتقال شوه تا اینجه بیایه چیزی که کاست ترانسپورتیشن [transportation cost] بسیار بلند میشه. و در ضمن دولت افغانستان هم یک چیزی تکس ها ره در این قسمت بلند برده که مانع صادر شدن این مواد شوه. دیگه انشاالله [قطع]

ک: تکس بالای صادر شدن ره بالا برده؟

DMYPrivateKabul020618: ها. به حساب پیپ ره بلند برده. یک علتی که ما ماشینری ره اینجه انتقال دادیم همین شد که دولت افغانستان تکس ره بلند بُرد و ما ره مجبور هم ساخت که تقریبا [...] چون اینجه ما بسیار مارکیت کلان داشتیم. دیگه ما نمی خواستیم که این مارکیت ره از دست ما بروه. به همین خاطر مجبور ماشینری خوده انتقال دادیم و جای کرایه گرفتیم.

ک: دولت تکس بالای پیپ ره بالا برد؟

DMYPrivateKabul020618: ها! بالای پیپ ره بالا برد. مثلا تا 30، 40 فیصد بالا برد. [قبلا] 10 فیصد بود تا 40 فیصدش به گمانم بالا برد.

ک: تنها همین پیپ ره [...]؟

DMYPrivateKabul020618: پیپ ره و مواد پلاستیک ره در مجموع و همین چیزهای که در افغانستان خودکفا است، یک زمینه ی رُشد ره برایشان مساعد کرد. که باید اقلام خارجی نبیایه اینجه و همین اقلام داخلی باید رُشد کنه و همین سبب رُشد هم شد. سبب انتقال سرمایه از خارج شد. و حالی بسیار، دها فابریکه ی دیگر هم بود که خواستند و آمدند اینجه سرمایه گذاری کردند و هم زمینه ی کار برای مردم مساعد شد و سرمایه هم اینجه انتقال شد.

ک: پس بیشتر به قرضه می فروشید یا به نقد؟

DMYPrivateKabul020618: ما دو قسم داریم. زیادتر قرض است. بیشتر قرض است.

ک: اوگرایی است پس؟

DMYPrivateKabul020618: سیستم اوگرایی است، ها. همین بسیار صنعت ما ره ضربه زده. ده دیگه ممالک این چیز شاید رایج نباشه همو نقد خواهد بود. اینجه وعده هم نیست بین مردم، وعده می کنن به همو وقت به همو وقت که پول برای ما برسه باز هم مشکل نیست. اما کس های هستند که به حساب یک ماه بردند، سال سرش تیر میشه. دیگه این صنعت ره بیخی فلج می کنه.

ک: ده حد اوسط یک روزه چند ساعت وقف کار می کنید؟

DMYPrivateKabul020618: ما خو والله حد اوسط ده همی هشت ساعت خو است. بعضی وقت زیاد هم میشه. بعضی وقت کم میشه، چون مسایل شخصی هم است. اکثرا مثلا شهر نو دفتر مرکزی گاهی اونجه گاهی اینجه. یگان اوردرها می آیه. بعضی مسایل تخنیکی می باشه که مه خودم در این مسایل وارد هستم. یگان اوردرهای خاص می آیه که به حساب همی حالی پیپ 12 انچ اوردر است برای میدان هوایی قندهار است. همو یک قسم سوراخ های خاص میشه به یک دیزاینی [...] همو دروینگش [drawing] ره به ما می دهند و خودم مجبور هستم که هدایت کنم. انجنیر آنها ره هم می خواهم و خودم هم می باشم که مطابق دیزاین او باید عیار شوه برایشان.

ک: به حساب نوآوری هم گاهی فکر می کنید که در تولیدات تان نوآوری رخ بده که در بازار [قطع]

DMYPrivateKabul020618: والله خواهشش ره خو داریم که زمینه مساعد شوه. در شرایط فعلی مشکلات اقتصادی هم است و کار نیست، دلسرد میسازه ما ره. مه اگر چه بعضی بعضی دوست ها ره می بینم که در این ملک چی کنیم، پس کدام طرف دیگر برویم، خو باز هم ما که اول هم آمده بودیم به همی اراده آمده بودیم که همی ملک ما است و اینجه خدمت می کنیم تا که زنده هستیم ده همینجه خواهد بودیم.

ک: بعد از ایجاد این شرکت در تجارت دیگری هم مصروف شده اید یا این که فقط مصروف همین؟

DMYPrivateKabul020618: ما همین شرکت خود ره که اول آمدیم اینجه، بخش چیز ره، پیپ پلاستیک ره صنعتش ره شروع کردیم. بعد از یک سال ما بخش پمپ دستی، که اول ده پاکستان ما پمپ دستی ره تولید می کردیم، بعد از یک سال او ره هم فعال ساختیم در اینجه. دیگه در همین دو بخش فعالیت داریم.

ک: همین بمبه های دستی؟

DMYPrivateKabul020618: ها

ک: اینجه تولید میشه؟

DMYPrivateKabul020618: بله ده همینجه تولید میشه. همی حالی مه قرارداد دارم کتی داکار، شاید صبح به خیر کتی آی.سی.آر.سی هم یک قرارداد ما شوه.

ک: پس فعالیت شما هم پیپ است و هم بمبه ی دستی؟

DMYPrivateKabul020618: بله!

ک: آیینش طبعا از بیرون می آیه؟

DMYPrivateKabul020618: آیینش اکثرا از بیرون می آیه، بله!

ک: پس شما دو شرکت دارید در این صورت؟

DMYPrivateKabul020618: شرکت یکی است خو دو بخش است. یکی بخش پمپ است و یکی بخش پیپ است.

ک: طریقه ی بازاریابی شما چی رقم است، نفر ره اول که، مشتری نو ره که پیدا می کنید، این می آیه در نمایندگی شما با شما گپ می زنه؟ یا این که به شما از طریق انترنت به تماس میشه، زنگ می زنه، چی رقم؟

DMYPrivateKabul020618: این طور است که ما در این مارکیت بسیار وقت میشه که دخیل هستیم و اکثرا اگر نام ما ره بگیرند تقریبا در ذهن هر شخص افغانستان نشسته و این ارتباط ما که است اکثرا در ولایات هم است و همین سایت ما هم که است از نگاه عصری اگر بگوییش، اکثرا در سایت ما هم مراجعه می کنند از همو طریق سایت یا تلیفون ما ره می گیرند یا ایمیل آدرس ما ره می گیرند. از همی طریق همراه ما به تماس میشه. ضرورت خوده می گویند باز مطابق همو ما برایشان مشوره می دهیم. اگر نرخ ضرورت داشته باشند و اگر به حساب تخنیکی ره ضرورت داشته باشند مثلا کتلوگ کار دارند یا کدام استندرد ره می خواهند، اونه از همو طریق ما یا از طریق ایمیل برایشان روان می کنیم یا تلیفونی اگر مشکل شان حل شد، تلیفونی [قطع]

ک: به حساب پرداخت و این گپ ها چطور؟

DMYPrivateKabul020618: پرداخت از او وقتی که مشکلات آنها حل شد اکثر از ما پروژه ها است. اسناد ره روان می کنیم و آنها اپرروول [approval] می گیرند و بعد از این که اپروول گرفتند، برای ما یک اوردر می دهند و قرارداد بسته می کنیم. اکثر مسایل ان.جی.او ها که است نی. بعد از او مطابق همی قرارداد پیمنت [payment] می آیه. یا می گوییم که 50 درصد ادوانس پیمنت [advance payment] کو، 50 فیصد ره بعد از این که مال ره بردی. یا بعضا، کتی بعضی پولدار صنایع [؟] میباشه که میگه ده آخر که سپلایی کردی پوله برایت میتیم. دیگه شرایط فرق می کنه. و یکی دیگه مسأله نمایندگی ها ما است که آنها اکثرا به حساب کریدیت [credit] می فروشند. جنس میره، جنسه که به فروش رساندند پس پول برای ما روان می کنند.

ک: یک سوال آخر در قسمت انگیزه یتان است. در افغانستان در ساحات مختلفی سرمایه گذاری شده. انگیزه ای که شما در تولید سرمایه گذاری کردید چیست؟ چرا در یک بخش دیگری نی، در بخش خدمات چرا سرمایه گذاری نکردید؟ در بخش [قطع]

DMYPrivateKabul020618: انگیزه ی این خو مه برایتان گفتم که ما در پاکستان بود و باش می کردیم و یک برادر ما ده همو موسسه داکار در بخش هند پمپ [hand pump] کارگر بود به حساب. وقتی که آنها از اونجه کارشان ختم شد، همین نفرهای که بودند، همین چند شریک ها، دوست ها، رفیق ها بودند، یک اتحادیه ره تشکیل کردند، از همو شرکت تأسیس شد. و مه خودم چون طبابت ره خوانده بودم مه ره هم به همی تشویق کردند. چون چهار برادرم، سه برادرم! ما چهار برادرها هستیم، سه برادرم در همین بخش کار می کرد. مه ره هم مجبور ساختند که طبابت ره ایلا کو [خنده] اگر چه بخش انجنیری است و ساختمانی است. دیگه مه مجبور شدم و گفتم که صحیح است و باز موافقه همراهشان کردم و سرپرسی همین شرکت ره به حساب خودم به دوش دارم. همین بخش پلاستیک هم خودم تولید ره تهداب گذاری اش ره، هر چیزش ره [خودم کردم]. آنها [قبلا] تنها پیپ جور می کردند. مگر این بخش پلاستیک ره تمام تهداب گذاری و شروعش ره خودم کرده ام، ده پاکستان.

ک: ده افغانستان چی، چرا تصمیم نگرفتید که بعد از این که یک مدتی در اینجه در بخش تولید کار کردید، گسترش بدهید، مثلا، ده بخش ساختمانی بروید، یک شهرک بسازید یا رستورانت بسازید، هوتل بسازید؟

DMYPrivateKabul020618: والله خواهش خو داریم که [...] شرکت ساختمانی هم داشتیم و دیگه پروژه نتوانستیم گرفته و دیگه کارها [...] وقتی که ما شرکت ساختمانی هم علاقمندی داشتیم که بخش خوده وسعت بدهیم، مثلا، ارتباط ما کتی کندن چاه ها بسیار زیاد است. شرکت ره به همی خاطر عیار ساخته ایم که برمه های کوبه یی و روتری داشته باشیم، چاه بکنیم ده قریه جات و برای بعضی جاهای دیگه. و دیگه کارهای دیگه. خو بعد از 2014 حالات تغییر کرد دیگه. دیگه ما نتوانستیم که از این پیش برویم دیگه حالی به همی حالت هم که باقی بانیم همی هم شکر است، که از این بدتر نشه [خنده].

ک: سلامت باشید!

DMYPrivateKabul020618: تشکر!